

پایش بازار



پویایی‌های بازار

قیمت حامل‌های انرژی در هفته اخیر همسو با قیمت کالاهای دیگر و بازارهای سهام تحت تاثیر نگرانی‌ها نسبت به آسیب دیدن رشد اقتصادی از افزایش نرخ‌های بهره آمریکا، رشد چشمگیر ارزش دلار و عدم قطعیت نسبت به تورم و رکود، و همچنین محدودیت‌های کرونایی در چین، روند رو به کاهشی داشتند. بهای نفت خام برنت با کاهش ۲.۹۷ درصدی از ۱۱۱.۳۶ دلار به ۱۰۸.۰۵ دلار در روز جمعه رسید. نفت وست تگزاس اینترمدیت با افت ۱.۶۳ درصدی، از ۱۰۸.۵۲ دلار در هر بشکه به قیمت ۱۰۶.۷۵ دلار در معاملات آخر هفته رسید. گاز طبیعی روند مشابهی را در هفته گذشته پشت سر گذاشت و با کاهش ۱.۰۹۷ دلار از ۸.۸۰۱ دلار در ۶ مه به ۷.۷۰۴ دلار بر هر میلیون بی‌تی‌یو در معاملات روز جمعه در هنری هاب رسید. این کاهش قیمت‌ها در حالی رقم خورد که سخنرانی پوتین در هفته گذشته مبنی بر ادامه جنگ در خاک اوکراین، تحریم ۳۱ شرکت انرژی اروپایی توسط روسیه و تطویل مذاکرات وین در خصوص احیای برجام و عدم نقش آفرینی ایران بطور جدی در بازار انرژی نشان از افزایش احتمالی قیمت‌ها در هفته‌های آتی می‌دهند.

تفسیر هفته

۱. اعلام بانک مرکزی آمریکا (فدرال رزرو) مبنی بر افزایش نیم درصدی نرخ بهره در آمریکا در دو هفته قبل منجر به تشدید نگرانی‌ها در مورد رشد اقتصادی و تقاضا در تمامی بازارها از جمله بازار انرژی در هفته اخیر شد. آمریکا بعنوان بزرگترین اقتصاد جهان که مشابه بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته تورم بی‌سابقه‌ای

را این روزها پشت سر می‌گذارد تا آنجا که مقامات اقتصادی ایالات متحده در اظهارات خود نسبت به افزایش مجدد نیم درصدی نرخ بهره برای مقابله با اثرات تورمی و مقابله با افزایش قیمت‌ها تاکید کرده‌اند.

هووی لی، اقتصاددان گروه بانکی OCBC سنگاپور، با اشاره به رشد چشمگیر شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) آمریکا بیان می‌کند: نگرانی‌های مربوط به رکود شدت بیشتری پیدا کرده و باعث افت قیمت‌های نفت می‌شوند. طبق آمار، شاخص قیمت مصرف‌کننده آمریکا در آوریل ۸.۳ درصد رشد و ضرورت افزایش سریع‌تر نرخ‌های بهره در این کشور را تایید می‌کند. در همین حال، شاخص کالاهای بلومبرگ، که ۲۳ قرارداد آتی انرژی، فلزات و محصولات کشاورزی را دنبال می‌کند ۴.۳ درصد کاهش یافت که بزرگترین افت از اوایل ماه مارس است و نشانگر بدبینی سرمایه‌گذاران نسبت به وضعیت کنونی می‌باشد.

رشد شاخص دلار (Dollar Index) دیگر عاملی است که در کنار تورم افسارگسیخته در این روزها منجر به کاهش تقاضا و به بیانی بهتر کاهش توان خرید مصرف‌کننده بخصوص در بازار انرژی شده است. مقدار این شاخص به ۱۰۴.۹۳ در پایان روز جمعه ۲۳ اردیبهشت رسید. نمودار ۱ نشان‌دهنده تغییرات شاخص دلار در هفته آخر است.



نمودار ۱. تغییرات شاخص دلار در هفته اخیر

۲. موضوع دیگری که کماکان اقتصاد جهانی را تهدید می‌کند، تداوم وضعیت قرنطینه‌ها در چین است. محدودیت‌هایی که ابعاد گسترده‌تری هم پیدا کرده‌اند و علاوه بر شانگهای به پکن نیز رسیده‌اند. نخست‌وزیر

چین، لی کچیانگ، نسبت به وضعیت شغلی پیچیده و خطرناک در هفته اخیر هشدار داده و بر تداوم و گسترش قرنطینه‌ها در صورت نیاز تاکید کرده است. چین بعنوان بزرگترین واردکننده نفت، با تقاضای حدود ده میلیون بشکه نفت در روز نقش بسیار مهمی را در بازار انرژی ایفا می‌کند و بسیاری معتقدند شیوع مجدد بیماری کووید-۱۹ در این کشور، شتاب افزایش قیمت‌ها در بازار انرژی بعد از شروع تنش روسیه و اوکراین را کنترل کرده است.

۳. اگرچه قیمت حامل‌های انرژی در هفته اخیر کاهش یافت اما بنظر می‌رسد بازار انرژی این روزها بیش از هر زمانی تحت تاثیر پیامدهای سیاسی تنش روسیه و اوکراین قرار دارد. چشم‌انداز تحریم نفت و سوخت روسیه از سوی اتحادیه اروپا که عرضه جهانی را محدودتر خواهد کرد عامل دیگری بوده که از قیمت‌ها پشتیبانی کرده است. در دو هفته گذشته اتحادیه اروپا از تصمیم خود برای تصویب بسته ششم تحریم‌ها علیه روسیه با محوریت تحریم واردات نفت از این کشور خبر داد اما این مهم با مخالفت برخی از اعضا از جمله مجارستان روبه‌رو شده و اجماع بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا صورت نگرفته و بنظر می‌رسد قطع وابستگی به نفت و گاز روسیه در کوتاه‌مدت میسر نمی‌باشد.

۴. از جمله تحولات مهم تنش روسیه و اوکراین در هفته اخیر که در پاسخ به اقدامات اعضای اتحادیه اروپا صورت گرفت، تحریم ۳۱ شرکت انرژی اروپایی توسط روسها بود. بر اساس این تحریم‌ها، شرکت‌های روسی از معامله با شرکت‌های مشمول این تحریم‌ها و انجام پرداخت و تراکنش‌های مالی با آنها منع شده‌اند. همچنین ورود نفتکش‌های متعلق به این شرکت‌ها و افراد مشمول تحریم به بنادر روسیه را ممنوع می‌کند. شرکت گازپروم آلمانیا متعلق به آلمان و یوروپل گاز متعلق به لهستان از جمله این شرکت‌ها هستند.

۵. شاید بتوان از سخنرانی ولادیمیر پوتین در هفته اخیر بعنوان مهم‌ترین اتفاق در تحولات جنگ روسیه و اوکراین یاد کرد که تاثیر عوامل سیاسی این جنگ بر بازارها از جمله بازار انرژی را افزایش داد. پوتین رئیس جمهوری روسیه در هفتاد و هفتمین سالروز پیروزی اتحاد جماهیر شوروی در جنگ جهانی دوم علیه نازی‌ها در آلمان، اعلام کرد که امروز روسیه در حال مبارزه با نئونازیسم تحت حمایت ناتو در اوکراین است. وی با اشاره به گسترش ناتو و نقش آن در ناامن کردن مرزهای روسیه، یکبار دیگر بر تصمیم درست خود مبنی بر حمله به خاک اوکراین اشاره کرد. سخنانی که به وضوح از تداوم تنش در ماه‌های آتی بین روسیه و اوکراین خبر می‌دهد. در عین حال سخنرانی پوتین توقعات آن دسته از کارشناسان مبنی بر اعلام بسیج عمومی برای

مردم روسیه برای جنگ تمام عیار با اوکراین را برآورده نکرد. گو این که روسیه قطعنامه حفظ امنیت در اروپا که در شورای امنیت ملل متحد طرح شده بود را وتو نکرد.

۶. استفاده روسیه از انرژی برای اعمال فشار به اعضای اتحادیه اروپا پس از شروع جنگ بین روسیه و اوکراین و افزایش قیمت حاملهای انرژی از مدت‌ها پیش گزینه جدیدی را پیش روی کشورهای قاره سبز برای تامین نیازهای خود قرار داده است. ایران که در سالهای اخیر تحت تاثیر تحریم‌های ایالات متحده موفقیت چندانی برای عرض اندام در بازار انرژی نداشته، این روزها مجدداً می‌تواند بازیگری در این صحنه گردد. نقشی که بیش از هر چیز به مذاکرات احیای برجام در وین گره خورده و بقول عباس ملکی، تطویل مذاکرات در شرایط فعلی بیش از هر کشوری به نفع روسها و به ضرر ایران تمام خواهد شد. می‌توان تا حدودی به درک بهتر وضعیت موجود در مذاکرات و ارتباط آن با نقش ایران در بازار انرژی رسید. درحالی که دولت سیزدهم روند بازگشت امریکا به برجام را مشخص نموده و اختلافات تنها بر سر چند موضوع باقی مانده سؤال این است تعلل و سستی امریکا در پذیرش مسئولیت و تعهدات لازم برای بازگشت به برجام نشانه چیست و چرا دولت امریکا رفتاری زیگزاگی در این مسیر در پیش گرفته است؟ تحلیلگران در پاسخ به این سؤال عوامل متعددی را بیان می‌کنند که از جمله آنها می‌توان به تلاش امریکا برای بالا نگه داشتن قیمت نفت و عدم ورود ایران به این بازار اشاره کرد. به تحلیل روزنامه ایران، برخلاف اروپا که نگران افزایش قیمت نفت بوده و در نتیجه بازگشت امریکا به برجام و ورود بیشتر نفت ایران در انتظار کاهش قیمت این کالای اساسی در غرب است، امریکا عجله‌ای در این مورد نداشته و احتمالاً با تداوم این وضعیت از وارد آوردن ضربه به اروپا و چین استقبال می‌نماید. امریکا خود یکی از تولیدکنندگان عمده نفت و همزمان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کننده‌ها به‌شمار می‌رود. افزایش قیمت نفت فرصتی در اختیار این کشور می‌گذارد تا بتواند استخراج نفت پرهزینه خود را افزایش دهد و از این منظر رونقی اقتصادی نیز برای خود ایجاد نماید. از سوی دیگر بازداشت موقت انریکه مورا، نماینده اتحادیه اروپا در مذاکرات موسوم به برجام در فرودگاه فرانکفورت و ضبط گذرنامه و تلفن همراه وی نشان‌دهنده تلاش نیروهای مخالف به نتیجه رسیدن برجام بدون حضور امریکا می‌باشد. کسانی که مذاکره مابین باقری کنی و رابرت مالی مسئول امور ایران در وزارت امور خارجه امریکا را بیشتر به نفع خود می‌دانند. تبیین بهتر فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی ایران برای نقش‌آفرینی در بازارهای جهانی علی‌الخصوص بازار انرژی مستلزم مرور وقایع و تغییر روابط بین قطب‌های نظامی-اقتصادی دنیا در سال‌های اخیر است. تغییراتی پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ در ایالات متحده سرعت بیشتری یافت و منجر به طرح مساله جدایی بین امریکا و متحدانش، و چین از سال ۲۰۱۸ شد. البته با بررسی شاخص‌های مختلف در چهار سال گذشته می‌توان دریافت مساله جدایی بطور کامل اتفاق نیفتاده و اتفاقاً در تجارت و

سرمایه‌گذارهای خارجی شاهد افزایش روابط بین متحدان آمریکا و چین بوده‌ایم. از سوی دیگر در این مدت روابط کشورهای روسیه و چین توسعه یافته و ابعاد جدید سیاسی و اقتصادی بخود گرفته که از نمونه‌های بارز آن باید به خرید نفت روسیه پس از شروع تنش‌ها در خاک اوکراین توسط چینی‌ها و حمایت‌های سیاسی آن‌ها در سازمان ملل از روس‌ها اشاره کرد. حمایت‌هایی که بیش از پیش در تقابل با سیاست‌های ایالات متحده ابعاد جهانی پیدا کرده‌اند. در چهارم فوریه ۲۰۲۲ روسیه و چین بیانیه مشترکی امضا کردند که از مهمترین بندهای این بیانیه محکوم کردن فعالیتها و گسترش ناتو بود. چین تا قبل از این بیانیه هیچگاه مستقیماً در امور امنیتی و ژئوپلتیکی اروپا نظری نمیداد، اما با این بیانیه چین در واقع خودش را به جای یک بازیگر امنیتی آسیایی، یک بازیگر جهانی امنیتی و در تقابل با سیاست‌های آمریکا عنوان کرد. این تغییرات در روابط قطب‌های نظامی-اقتصادی جهان از یکسو، شروع تنش‌های در خاک اوکراین و انزوای روسها از سوی دیگر فرصتهای خوبی را پیش روی ایران قرار داده که به برخی از آنها در ابتدای این بخش اشاره شد. امضای قراردادهای راهبردی و بلندمدت با چین و روسیه در ماه‌های اخیر حکایت از عزم جزم نظام برای استفاده حداکثری از شرایط موجود دارد. از جمله فرصتهای پیش رو باید به طرح یک کمربند یک جاده اشاره کرد که چین باید به کریدور میانی عبورکننده از آسیای مرکزی-قفقاز جنوبی و کریدور آسیای مرکزی-آسیای غربی که از ایران عبور میکند، جدیتر فکر کند. چرا که یکی از کریدورها که از روسیه و اوکراین می‌گذشت از بین رفته است. در همین راستا باید به تقاطع طرح یک کمربند یک جاده چین با کریدور شمال و جنوب نیز اشاره کرد. عضویت ایران در سازمان همکاریهای شانگهای اگر با دیپلماسی اقتصادی فعال همراه باشد می‌تواند به گسترش روابط با کشورهای عضو علی‌الخصوص چین کمک کند. موارد مذکور بخش کوچکی از فرصتهای پیش روی ایران برای استفاده از شرایط حاکم می‌باشند و استفاده از